

شکوه الوند

بررسی جغرافیای تاریخی و فرهنگ مردمی الوندکوه

در این چاپ، ویرایش جدید و برخی افزوده‌ها ملحوظ شده است

تألیف و نگارش: علی جهان‌پور

۱۳۹۱

شکوه الوند: بررسی جغرافیای تاریخی و فرهنگ
مردمی الوند کوه/ تألیف و نگارش: علی جهانپور. -
همدان: انتشارات برکت کوثر، ۱۳۹۱.

ص: ۳۸۶: مصور، نقشه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۹۵-۲۲-۳

کتابنامه: ص: ۳۳۶-۳۳۵. نمایه.

۱. همدان - تاریخ. ۲. جغرافیای طبیعی - همدان. ۳. همدان

- آثار تاریخی. الف: عنوان

۹۵۵/۴۳۲



انتشارات برکت کوثر (ناشر برگزیده استان همدان)

نام کتاب: شکوه الوند

تألیف و نگارش: علی جهانپور

ناشر: برکت کوثر

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

عکس: آتلیه شیوا، علی بیات، نعمت اله احضری

متن انگلیسی: علی نائینی، بنیس سام

ویراستار: علی معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۹۵-۲۲-۳

چاپ و صحافی: یوسف

صفحه آرایشی: طلوع غرب - ۸۲۵۵۹۴۴

عکس و طرح روی جلد: علی تحریری - طلوع غرب

قیمت ۱۰۵۰۰۰ ریال

همدان، خیابان تسلی، انتشارات برکت کوثر تلفن: ۰۸۱۱-۲۵۳۱۱۷۸ - ۰۴۵-۹۱۸۸۱۵۹۰۴۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه: دکتر پرویز اذکابی.....	۱۵
پیشگفتار:	۲۷
سخن ناشر:	۲۹
بخش نخست: «درآمد»	
۱: نگاهی کوتاه به الوند در دوره‌های زمین شناسی	۳۵
۲- پیوند گذشته الوند با همدان	۳۸
سکوه الوند در چیست؟	۳۸
۳- نامهای الوند به روایت تاریخ	۴۶
بخش دوم: «قله‌ها»	
قله‌های الوند	۵۳
- «قله الوند»	۵۴
- زیارتگاه «سام بن نوح (ع)»	۵۵
- غار عابد:	۵۶
- خانه عابد:	۵۷
- گهواره مریم:	۵۷
- «دروازه الوند»	۵۸
- قله کلاغ لان (کلاغ لانه)	۵۸
- قله دایم برف (چناره کوه- کوه یاقوشه)	۵۹
- قله قزل ارسلان	۶۰
- کوه‌های کرکسین (کرکسان) قله کرکس	۶۳
- آلموقلاغ (آلموبولاغ)	۶۴
- چارقله (چهار قله)	۶۵
- قله یخچال- کوه‌های یخچال صاحب	۶۶
- کوه‌های کلاه قاضی «قله کله قاضی»	۶۹
سایر رنگی	۷۱

بخش سوم: «دره‌ها و چمنزارها»

دره‌ها و، چمنزارها	۸۹
دره‌ها و چمنزارهای الوند در جبهه شهر همدان:	۸۹
دره‌های الوند در جبهه تویسرکان و اسدآباد	۹۰

- ۹۰ - چمنزارهای تخت نادر و تخت میدان میشان
- ۹۰ - چمنزار «تخت نادر»
- ۹۳ : چمنزار تخت میدان میشان:
- ۹۳ - دره امامزاده کوه (دره برفین)
- ۹۷ - دره گنجنامه - عباس آباد - دره گوساله
- ۱۰۱ - دره تاریک در (تاریک دره) - «دره گردنه توپسراکان» (گدوک)
- ۱۰۳ - قتر قلعه‌سی «ایستگاه پیام رسانی نوری در عهد باستان
- ۱۰۶ - دره کیوارستان (دره ینا)
- ۱۰۷ - دره چشمه فرشه (چشمه فرشه)
- ۱۱۰ - دره هیدره پشت شهر
- ۱۱۱ - دره دیوین (دیویجن)
- ۱۱۲ - چمنزار شاهنظر (سانور) و دره خاکو
- ۱۱۵ - «دره سیمین - ابرو»
- ۱۱۶ - دره‌های الوند، در سمت توپسراکان و اسدآباد
- ۱۱۷ - دره سرکان
- ۱۱۸ - دره گزندر (گزندر سرابی)
- ۱۱۹ - دره شهرستانه
- ۱۲۱ - مَلْهَمْدَرُ
- ۱۲۱ - دره‌های شمال غربی الوند
- ۱۲۲ - دره و روستای هیدره قاضی خان:
- ۱۲۲ - دره وهنان:
- ۱۲۳ - دره چوتاش: chotash
- ۱۲۵ - دره الموقلاغ Almugholagh
- ۱۲۶ - دره وَرْدْآورد علیا
- ۱۲۶ - وَرْدْآورد علیا - ورودآورد وسطی، وردآورد سفلی:
- ۱۲۷ - دره اُشتران:
- ۱۲۸ - دره کشین = چشین: chshin
- ۱۳۲ باتولیت الوند (Batolite Alvand)
- بخش چهارم: «آب و هوای الوند»
- ۱۳۵ «آب و هوای منطقه الوند»
- بخش پنجم: «چشمه‌ساران الوند»
- ۱۴۳ چشمه‌ساران الوند

۱۴۵	۱- چشمه بهشت آب
۱۴۶	۲- چشمه «حوض نبی»
۱۴۹	۳- چشمه فرشه (چشمه فرشته)
۱۵۰	۴- چشمه ملک
۱۵۱	۵- چشمه قاضی
۱۵۳	۶- چل چشمه گشانی
۱۵۳	۷- چشمه و سرآب دره طالب
	بخش ششم: «آبخیزداری الوند»
۱۶۱	«آبخیزی در دامنه الوند کوه»
۱۶۱	الف- آبهای زیرزمینی:
۱۶۲	ب- آبهای سطحی:
۱۶۶	«آبهای برون حوضهای الوند»
۱۶۶	الف- حوضه آبریز دریاچه قزو:
۱۶۸	ب- حوضه آبریز گاماسب (گاماسب):
۱۶۸	ج- حوضه آبخیز قزل اوزن
۱۶۹	سدهای دامنه‌های الوند
۱۶۹	۱- سد اکباتان:
۱۷۰	۲- سد خاکی آیشینه
۱۷۱	طلاشویی»
۱۷۳	چشمه‌های آب معدنی استان همدان در دامنه الوند»
	بخش هفتم: «غارهای دامنه‌های الوند»
۱۷۷	«غارها»
۱۷۸	- غار علیصدر:
۱۷۹	الف: غار علیصدر در دورانهای زمین‌شناسی
۱۸۰	ب: سابقه تاریخی غار علیصدر
۱۸۳	گونگی آب غار علیصدر
۱۸۴	- غار علیصدر با چهرهای نو و بازتابی تازه در صنعت گردشگردی:
۱۸۶	مختصات فیزیکی غار علیصدر
۱۸۷	زمین‌شناسی غار
۱۸۸	روش تشکیل غار
۱۸۹	رغولوزی یا شکل‌شناسی غار
۱۹۰	سست‌شناسی

۱۹۰	 مکانیسم بیولوژیک تشکیل سنگهای کربناته
۱۹۱	 بیولوژی فعلی غار:
۱۹۴	 غار سراب
۱۹۵	 غار سوباشی
۱۹۵	 غار بگلیجه
۱۹۶	 غار خورزنه
۱۹۶	 نوهوردان پیشگام همدانی در تاریکیهای غار علیصدر
۲۰۱	 منابع کانی الوند
۲۰۱	 خاکاکها- سنگها- معادن
۲۰۱	 چند نمونه از سنگهای الوند:
۲۰۳	 Sedimentary Rocks ۲- سنگهای رسوبی - نه نشستی
۲۰۳	 ۴-۲- سنگهای آذرین، سنگهای دگرگون شده
۲۰۳	 iGnoqus.R. - iGneous Rocks سنگ آذرین
۲۰۴	 Metamorphic Racks سنگهای دگرگون
۲۰۷	 عکس

بخش هشتم: «گیاهان الوند»

۲۲۵	 «گیاهان الوند»
۲۲۶	 الف: پوشش علفی
۲۲۶	 ب: درخت و درختچه
۲۲۷	 آشنایی با چند گیاه بومی الوند
۲۲۷	 اشاره:
۲۲۷	 ۱- ریواس = pheum R fes نام علمی
۲۲۷	 ۲- بادام کوهی و آلبالوکوهی
۲۲۸	 ۳- اسپند: (هرمل) Hermel
۲۲۹	 ۴- گاوزبان Gav.zaban نام علمی Anchusaifalica
۲۳۱	 ۵- گزنه Gazane یا نجره نام علمی آن am:umee.Aifum
۲۳۱	 ۶- روناس Runica TineTorm-Garan
۲۳۱	 ۷- شاهتره Fumara
۲۳۲	 ۸- قازایاغی (قازایاغی) Gochfeara.Goronopi

بخش نهم: «حیات جانوری»

۲۴۷	 «حیات جانوری الوند»
۲۴۸	 الف- حیوانات اهلی

۲۴۸	 «وحوش الوند»
۲۵۰	 معرفی چند نمونه از وحوش الوند
۲۵۰	 عقاب های الوند
۲۵۱	 کبک kabk
۲۵۲	 بلدرچین: belderchin یا بدبده (badbade)
۲۵۲	 چ، میش و گل و بز:
۲۵۳	 ن گورمز = khanGar maz یا خان هورمز kahan Harmazd
۲۵۴	 و هوای منطقه

بخش دهم: «جغرافیای انسانی»

۲۵۹	 جغرافیای انسانی الوند
۲۵۹	 روستاهای موجود در آنها
۲۶۳	 ایلات و عشایر الوند
۲۶۶	 زیارتگاه - امامزاده - پیرها
۲۶۷	 مکانها
۲۶۹	 راههای ارتباطی
۲۶۹	 جاده شاهی
۲۷۲	 ارتباط همدان با جاده ابریشم
۲۷۲	 مسیر شرقی:
۲۷۲	 مسیر غربی:

بخش یازدهم: «ادبیات الوند»

۲۷۷	 ها و پندارهای مردم درباره الوند
۲۸۱	 به پیدایش انسان در سنگ نگاره ها
۲۸۳	 الوند در شعر شاعران

بخش دوازدهم: «نگاهی به کوهنوردی همدان»

۳۱۵	 کوهنوردی در همدان
۳۱۶	 «الوند انگیزه کوهنوردی در همدان»
۳۱۸	 نخستین کلوپ و تشکلهای مردمی در کوهنوردی همدان:
۳۲۵	 د اجل کیست؟
۳۴۳	 ه
۳۴۵	 ن

فهرست جداول

صفحه

نشان

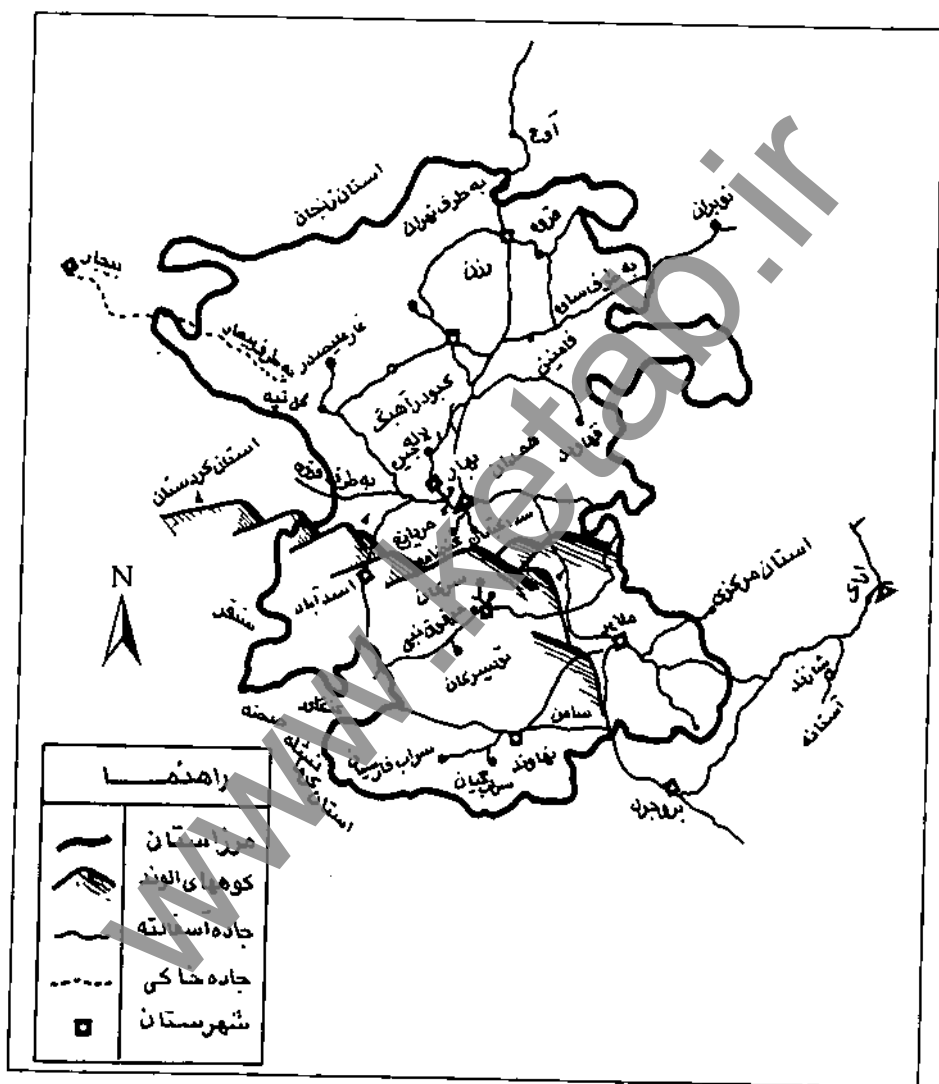
۱۳۰.....	هرستی از دره‌های معروف الوند کوه.....
۱۳۹.....	بانگین ایام یخبندان الوند، ۲۴ ساعته، سالهای ۱۳۶۲-۱۳۴۳.....
۱۳۹.....	توسط بارندگی ماهانه و سالانه منطقه الوند (میلیمتر) سال ۱۳۶۲-۱۳۴۳.....
۱۳۹.....	مداقل مطلق دمای ماهانه در الوند به سانتیگراد، سال ۱۳۶۲-۱۳۴۳.....
۱۴۰.....	حداکثر مطلق دمای ماهانه در منطقه الوند به سانتیگراد، سال ۸۳-۱۹۶۴.....
۱۴۰.....	توسط ساعات آفتابی ماهانه در منطقه الوند.....
۱۵۶.....	هرست و نام بعضی از چشمه‌های الوند در سمت همدان و تویسرکان.....
۱۶۲.....	مساحت حوضه‌های آبخیز منطقه الوند (کیلومتر مربع).....
۱۶۴.....	حجم کل ریزش‌های جوی و مقدار کل باران باریده شده در منطقه و حوزه رودخانه‌ها.....
۱۷۳.....	فهرست چشمه‌های آب معدنی دامنه‌های الوند.....
۱۹۸.....	جدول اسامی ره‌گشایان نخستین غارنوردی.....
۲۰۰.....	سال شماری ورود کوهنوردان پیشگام به غار علیصدر تا فراهم شدن بازدید عمومی.....
۲۰۴.....	سنگها و معادن الوند - Hamadan zone.....
۲۳۳.....	اسامی پاره‌ای از گیاهان دارویی، صنعتی الوند.....
۲۳۵.....	اسامی گیاهان کوه الوند برحسب خانواده، جنس، گونه و محل پراکنش و رویش.....
۲۵۶.....	اسامی برخی از وحوش الوند.....
۲۶۱.....	فهرست روستاها واقع در دره‌های الوند.....
۲۶۶.....	جمعیت و خانوار ایلی در منطقه الوند (دهه ۷۰).....
۳۳۴.....	سال‌شماری فعالیت‌های برون‌مرزی کوهنوردی در همدان.....

فهرست نقشه‌ها

صفحه

متن

۱۲.....	واقعیت جغرافیایی الوند در استان همدان
۲۶.....	بقوش مربوط به بیش از تاریخ
۳۷.....	بخت کشیدگی‌های کوهستان الوند
۴۵.....	اکندگی‌های اقوام آریایی در فلات ایران
۶۲.....	سیر جریان توده‌های هوا و بادها در منطقه الوند
۶۸.....	تفاعات قتل الوند
۱۳۸.....	ز برف نه ماهه در الوند
۱۵۵.....	بکه آبهای منطقه - چشمه‌ها
۱۶۵.....	خیزداری الوند - شبکه ی آبهای برون مری
۱۹۳.....	طع دهلیز ورودی به غار علیصدر - سال ۱۳۴۹
۲۳۰.....	یش و پراکنش پوشش گیاهی در الوند
۲۶۲.....	ستاهای درون دره‌های الوند و راه‌های ارتباطی آنها
۲۷۱.....	بیر ارتباطی همدان باستان از کوهستان الوند با راه‌های باستانی
۲۷۴.....	ابریشم از مرز چین تا دریای مدیترانه



موقعیت جغرافیایی الوند در استان همدان

۷۵/۵/۲۲

ناصرالدین قاجار
حضرت آبرو جهان پور

حسین به دین شکوه الوند روئی سدهای برانده آبر برادیک و عباک آمل
و مفرصا جنبیدار دهم که از کمالی به حمد و ثناء دردم جان گرفت و بر زدن در آن
و دست خابت آفرین ازین درون انعام حضرتان با را خوانده ام و لے ترقی عاقلانه
کردم ازین باب که ختم بر کرد و درین باب طبعی هست
عینی هفته خبر ازین گشت شاکست از کمالی برین رنجان و عباک
بیان به سر کبر و آفتاب هم در روزن و در غرض سر گشتیم
ابیدم ترقی سعادت باشد که در مودن و در دل ازین نام هم در سر
دشته بهیم به حضرت از لای که در حجاب و آفتاب و در لای که در سلام بر سینه
ایرج

www.ketab.ir

«من نی‌آم آن که کشد دست زدامان تو زانک
پرورشگاه من ای دامن‌الوند! تویی»
(ناهمید)

کهن‌ترین جایی که واژه «آوند» یاد شده، کتاب اوستاست، که به گونه «آورونت» (*aurvant*) از ذکر دو رشته کوه «همنکونه» (*Hamankuna*) و «زامیاد یشت» (بند ۳) - که به نظر ما این کلمه (همنکونه) بایستی گونه‌ای اندک دگرگشته از اسم قدیم همدان (هنگمتان/هکمتان) باشد - علی‌رغم آن که همه گفته‌اند اسم «همدان / هنگمتان» در کتاب اوستا مذکور نگردیده، از ست قلّه آورونت» (آست آورونتو فانکو) یاد کند، که در معانی «تند و تیز، باشکوه و درخشان، و پهلوان» بوده باشد.^۱ صفت «آروندی» هم در اوستا مکرراً، هم در فارسی باستان چنان‌که در نده داریوش هخامنشی (*DNb*) - به گونه «ارووسته/اروته» همبر با «خرمندی» یاد گردیده که معنای «نیرومندی و چالاکي» است.^۲ همین صفت «تندی و چالاکي» از معنای کلمه «آرونت» اسم کوه همدان باشد - از دیرباز بر اسم رود «دجله» (*tigris*) میانرودان هم اطلاق گردیده، کلمه «دجله» نیز خود به معنای «تیغ / تیز، تند و نیز» است، چنان‌که در فارسی میانه (ی) و فارسی نوین «آروند» رُود به مفهوم «دجله» باشد؛ از جمله حکیم فردوسی فرموده است:

ت‌ها (پوردادود)، ج ۲ ص ۳۲۷/برهان قاطع (دکتر معین) ج ۱، ص ۱۱۱ و ۱۶۰

Sudarmenien und die Tigrisquellen (Markwart), wien, 1930, p. 397

زیبای افلاطون (دکتر فتح‌الله مجتبی)، ص ۶۹-۷۰/یشتها (پوردادود)، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ج ۲، ص ۳۲۷.

اگر پهلوانی نندانی زبان به تازی تو «اروند» را «دجله» خوان^۱
سدهای طوسی هم در این معنا سروده:

«فرستاده از دین به کشور درود گذارنده بی‌کشتی اروند رود»^۲

باید گفت که وجه و معانی کلمه اوستایی و فارسی باستان «ارونت»، ترکیبات اسامی و سوفات بدان بسیار است؛ همچون «آروند، آلوند، آورند، اروند، اورند؛ حتی «راوند» و سرانجام «د» حسب قاعده جاری با تبدل معمول حرف «راء» به حرف «لام»- اینک بدین صورت لفظی بتابی متداول است.^۳ از جمله متون پهلوی در پازند «آفرین دهمان» یا آفرین هفت امشا سپند، در پیش الوند چنین آمده است:

«همازور اروند کوه...»

همازور چشمگان بون خان آوان، رودان

همازور اروند روت...»

بدین معنا که: «پیروز باد کوه الوند...، پیروز باد سرچشمه‌های رودها و آبها، پیروز باد رند رود...»^۴

اما در متون یونانی و رومی، کوه الوند / اروند (*aurvant*) چنان که در کتاب «پرسیکا» کزیاس (اب ۱، بند ۱۳) - منقول توسط دیودورسیسیلی (کتاب ۲، فصل ۱۳، بند ۷) «تاریخ» پلی بیوس (کتاب ۱۰، فصل ۲۷، بند ۶) «جغرافیا» بطلیموس (۶، ۲) و «تاریخ» پلینی (۵، ۹۸) - به صورت ورونوس (*Orontes*) و «اوروندس» (*Oroandes*) در جزو کوههای شرقی زاگرس یاد شده است. چون در زبان یونانی «*oros*» به معنای کوه است، گویا نویسندگان یونانی در وانوشتنام نوه‌ها با وجه ملفوظ «آرونت» و «هرابرز» (البرز) و جزاینها - جزء اول آنها (آرو) را مطابق با «آرو»

۱. برهان قاطع، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ج ۵، ص ۵۳ و ۶۲/ یشت‌ها (پوردوادود)، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ج ۲، ص ۳۲۷.

۲. گرشاسبنامه، طبع حبیب یغمایی، ص ۴۱۷.

۳. رش: برهان قاطع، ص ۳۳، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۹۶، ۱۱۱، ۱۶۰، ۱۸۳؛ ج ۵، ص ۶۱-۶۲/ یشت‌ها، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۵.

۴. ایران‌ویج (دکتر بهرام فروشی)، ص ۱۱۷.

(oro) یونانی پنداشته، از جمله الوند را به معنای «کوه» بدان صورت نوشته‌اند. به هر حال، اسرار و ریشه «ارو» فارسی باستان برای اشخاص هم غلم شده، چنان که در زبان ارمنی «اروند» اساساً نام یک خاندان فرمانروای ارمنستان باشد، همانطور که در دوران اسلامی نیز اشخاصی به اسم «الوند میرزا» یا «الوند بیگ» اشعار یافته‌اند.^۱

باری، کتاب «پوند هشن» ایرانی (پهلوی) دربارهٔ چگونگی کوهها (بخش ۷۸/۹) از کوه «ایرز» (ارز) در مادستان و همدان یاد کرده^۲ که برخی از دانشمندان احتمال داده‌اند کوهستان «آرز» مذکور در داستان کهن بابلی «گولگمش» همین «الوند» بوده باشد؛ نیز محتمل است که همان «کوه سپید» مذکور در نویکنده‌های میخی آشوری «الوند» همدان باشد.^۳ در صورت صحت این نظرات می‌توان گفت که کوهستان الوند دستکم از هزارهٔ سوم (ق.م) یا پنج‌هزار سال پیش از این در نزد ملل قدیم شرق، اقوام سومری، اکدی و آشوری می‌آوردن معروف بوده است. باید افزود که کوه «بیکنی» مذکور در سائنمهٔ سارگن دوم آشوری (۷۲۱-۷۰۵ ق.م) که مادهای دوردست را در مرز آن با «آلی» «کنار عیلام یاد کرده، نیز «کوه بیکنی» که در گزارش لشکرکشی آسره‌دون آشوری (به سال ۶۷۶ ق.م) بالجمله آن را «کوه سنگ لاجورد» وصف نموده‌اند؛ اخیراً گرایش باستان‌شناسان در انطباق آن «کوه بیکنی» با «الوند» همدان می‌باشد، ولی این فرضیه از طرف راقم سطور مردود اعلام شده، کوه آینی مزبور را با جبال کرکس کاشان و معدن لاجورد آن را در حدود «اقصر» منطبق می‌داند.^۴

مشهور است پادشاهان هخامنشی که هگمتانه (همدان) پایتخت مادستان را پس از شوش به تختگاه تابستانی برگزیدند، چندین ماه از سال را برای تمتع از مواهب طبیعی و نزهتگاه‌های ش آب و هوای کوهسار الوند، در «پردیس» (عفردوس)‌ها یا باغهای بهشت آسای آنجا بسر بردند. گواه بر این امر همانا نویکنده‌های میخی ایشان در درهٔ گنجنامهٔ الوند است، که هم بر سر

1. History of Persian Empire (Olmstead), P. 30/ Sudarmenien ... (Markwart), pp. 397, 400. First Encyclopaedia of Islam (1913- 1936), Vol. I, PP. 323; 2nd. Ed. I, p. 426.

هشن (فرنیغ دادگی)، گزارش مهرداد بهار، ۱۳۶۹، ص ۷۲.

3. First Encyclopaedia of Islam. I. P. 323; 2nd. Ed. I. P. 426/ ۶۰۴، ص ۲.

گزین تا کاشان (پ. اذکابی)، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۳-۹۴.

به شمال به جنوب یا جاده «همدان- شوش- استخر» واقع شده است.^۱ حکیم فردوسی در «هرمز» ساسانی گفته است:

بهاران بُدی او به «اروند» دشت برین گونه چندی بر او برگذشت



طالعات زمین‌شناسی چندی در مورد کوهستان الوند، هم توسط متخصصان اروپایی و هم پژوهندگان ایرانی صورت پذیرفته؛^۲ ولی آنچه اساساً مطمح نظر ماست، اینک بررسی‌های شناسی یا داستان زندگی مردم کوهنشین و کوچ‌نشین بر آنجاست. «ای. اف. هنریکسون» در بلند خود به عنوان «گسترش آغازین شبان پیشگی در بلندی‌های زاگرس مرکزی» با استفاده ایای باستان شناختی (سفال) از حدود ۲۳۰۰/ تا ۳۳۰۰ ق.م (حدود ۶۳۰۰/ سال پیش از این) زندگی کوچ‌نشینی را در کوه‌های زاگرس مشخص نموده است.^۳ اما «اف. هول» (F. Hole) یکس وی، در گفتار «کوچندگی شبانی در غرب ایران» با پرسش‌های باستان‌شناسی، به بررسی کوچ‌نشینی‌های امروزی پرداخته، تا با استفاده از اطلاعات کنونی برای مسائل باستان‌شناسی پاسخ دهد.^۴ کتاب «پ. ج. واتسن» هم به عنوان قوم‌شناسی باستان‌شناخت در غرب ایران، بیشتر یک اب انسان‌شناسی است، که مؤلف غالباً به فرهنگ جسمانی عطف توجه نموده است.^۵ اما بیش همه در موضوع ما نحن فیه و به طور اخص باید از گفتار پربار و سودمند «اهلرس اکارت» (E. Eckart) یاد کرد، به عنوان «عشایر کشتکار- شبان الوند کوه/ غرب ایران، کشتکاری جزئی بر کوچ‌نشینی» که ساختار اقتصادی- اجتماعی کوه‌نشینان الوند را پژوهیده است.^۶

1. History of the Persian. PP.29-30/ First Encyclopadia of Islam. P.323; 2. Ed. I. P. 426.
2. Cf : Rodler. A: Bericht uber eine geoloighe reise im Westlicher Persien; Wien. Sitz. K. K. Akad. Wiss., 1889/ ۲۱۵-۲۱۶، همدان، ۷۷-۷۹/ کتابشناسی همدان، ۲۱۵-۲۱۶/ ۱۸۸۹.
3. Iranica Antiqua, No. 20 (1985), PP. 1-42.
4. Exploration in Ethnoarchaeology, ALBU QUERQUE, School of American Research University of New Mexico, 1978, PP. 127-167.
5. Watson, P.J : Archaeological. Ethnography in Western Iran, Tucson. The University of Arizona Press & New York, 1979.
6. Geographentag Innendruck 1976, (tagungsbericht und wissabhanlung), Wiesbaden, 1976. PP. 77-79.

البته در باب عشایر و ایلیات کوهستان الوند، جوانب مختلف حیات اقتصادی- اجتماعی و هنگی آنها مطالعات پژوهندگان ایرانی و همدانی هم قابل توجه است،^۱ متها اظهار نظر در خصوص بدایت امر زندگی شبانی- دامداری فلذا کوچ نشینی بر یالها و دره های جبال زاگرس و به ویژه کوه الوند، حسب گزارش های باستان شناسی و بررسی های مردم شناختی کاری بس دشوار است. چه، نقوش و نگار کنده هایی که جایجای بر خرسنگهای سیاه رنگ برخی از یالها و سینه- نشی های «الوند» دیده می شود، بنابر مضمون و بُن مایه های فرهنگی احتمالاً قدمت زمانی آنها- ضاً- بیش از عصر نوسنگی است که- چنان که پیشتر گذشت- تاریخ آنها را بر حسب بقایای مالین در هزاره پنجم (ق.م) تعیین نموده اند. بعضی از مردم شناسان حتی تاریخ کشت و کار (صحر فلاح) در دامنه های زاگرس، یعنی در شیب ها و دشت و هامونهای پیشخواری کوهستان را حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش بر آورد نموده اند، که البته بدایت امر کشتکاری در هامونه های رودباری و برد «سفالینه» ها هم کمابیش در این حدود باشد فلذا نظر به تقدم دوره دامداری در بین اصاعات بشری که طبیعتاً زندگی کوه نشینی را الزام می کند، ظاهراً بایستی ابتدای امر کوچندگی نبی را از جمله بر کوهستان الوند، هم در دوره اخیر «میان سنگی» دانست؛ چنین نگره ای با نظر نبی از باستان شناسان در خصوص قدمت نقوش تخته سنگی با آدمکهای «صنوبری» آنها که تا حدود ۱۵۰۰۰ سال پیش گمان می برند؛ شاید سازگار باشد.

اما آنچه از جمله نقوش مزبور بر خرسنگهای کوه «اوچیمام» (*Ujimaam*) - از سلسله جبال - در سمت جنوب شرقی قریه «ارزانپول/ ارزانفوت» و در شمال قریه «سکاوی» ملاحظه بود؛ و نظایر آن در «دره کمر نوشته» از مدخل دره «گرنذر» پیرامون قلل «کلا ناصی» به راه دره بیگ همدان، که نقوش آن عبارت از صحنه شکار- گویا- با گونه ای خط نامعلوم (؟) و هم س خرسنگ های بالای «دیوین» دره مرادیگ و جز آنها که ظاهراً شبیه به نقوش و کیهه های مزار- خراسان- نزدیک بیرجند-؛ و گویا همانند نقوش «هزارسم» افغانستان با آدمکهای ری، چلیپاهای شکسته، سنبله های گندم، بُزان کوهی، مارها غالباً دو مار- و جز اینها

شدند، نیز مانده‌های آنها در «نقوش حجاری شده بر تخته سنگهای مالیر در دامنه کوههای باری...؛ و سایر حجاری‌های صخره‌ای دورافتاده که اغلب کتیبه‌ای ندارند»^۱ بالجمله اگر چه نمی‌توان مسیر حلّ و ترحال مردم ابتدایی دامدار بر امتداد یالها و دره‌ها و کوهسرهاست؛ و هر چند نمی‌توانست که طی آن‌ها مختلفه نقر و نقش شده باشند، نظر به مضامین و بنمایه‌های پیشرفته و - بناً - متمدانه شاید نتوان قائل به تقدّم آنها بر عصر نو سنگی شد. خود اینجانب بر نقوش تخته گنی از کوه «اوجی امام» مذکور، علاوه بر صحنه‌هایی از کار و زندگی شبانی و حتی کشتکاری، می‌توانم داستان آفرینش و چرخه خور و ماه و اختران دیده‌ام، که تحت تأثیر واقعگرایی بدویانه‌اش را «صحنه کائنات» نامیده‌ام.^۲

پس از «ابن فقیه» همدانی (ح ۲۵۰ - ح ۳۲۵ ق) - جغرافی‌دان برجسته و نخستین تاریخنگار بلدان، در روایت «حدیث» آنها و ستایش آب خنک، تقریباً همه جغرافی‌نویسان خواه در ذیل «همدان» یا در شرح «اروند / الوند» کوه، این خبر را از امام ابو عبدالله جعفر صادق (ع) گزارده‌اند که می‌گوید: «از مردم همدان بر آن حضرت وارد شد؛ پس پرسید: «از کجا هستی؟» پاسخ داد: «از بهستان»؛ پرسید: «از کدام شهر؟» پاسخ داد: «همدان»؛ پس گفت: «کوه آنجا را - که بدان راوند - می‌شناسی؟» گوید که: «خدا مرا فدای تو کناد! فقط بدان راوند گویند»؛ پس فرمود: «آری، در آنجا چشمه‌ای از چشمه‌های بهشت هست» (انتهی). ابن فقیه می‌گوید که مردم شهر خود آن‌ها را آگاهند؛ و همان چشمه ساری است که بر قلّه کوه است؛ و همان باشد که آتش در وقتی معلوم اوقات سال بیرون می‌آید، سرچشمه‌اش شکافی در میان خرسنگهاست؛ و آن آب خوش و بسیار خنک باشد... (الخ)^۳

۱. تاریخ عیلام (دکتر یوسف مجیدزاده)، ص ۶۹.

۲. در بررسی و برداشت‌های نخستینه از نقوش مزبور (اوجی امام) دوست فاضل تلاشگر مهندس جعفر عزیززاده همراهی کرد. مختصر البلدان، لیدن، ۱۳۰۲ ق، ص ۲۲۰ / معجم البلدان (یاقوت)، طبع و مستفاد، ج ۱، ص ۲۲۵ / آثار البلاد (قزوینی).

۳. که هم خود کاشف آنها می‌باشد.

۴. عجائب المخلوقات (طبرستان)، ص ۱۲۷.

این «بهشت آب» الوند - نزدیک به چکاد کوه - داستانی پیدا کرده؛ و آوازه‌ای در انداخته. چندان که در سده دوم (ق) خیرش - چنان که گذشت - هم به امام صادق (ع) در مدینه رسیده بود. این که امنه‌ها و دره‌های الوند را هم از دیرباز به «بهشت» موعود تشبیه کرده‌اند، گویا مبتنی بر این امر واقع شد که باغهای «پردیس» (مفردوس) مشهور مادی نخست در همانجا پدید آمد. این که هم از دیرباز «آبال همدان» (حمامه‌های الوند) و دره «ماوشان» (حمام‌زاده کوه) و مضافات را یکی از چهار بهشت روی زمین دانسته‌اند. بسا که مبتنی بر واقعیت طبیعی مکان بوده باشد. به هر حال، هم دیرباز مفهوم «بهشت» (بهترین جای) به نحوی با مواضعی از کوهستان الوند و پیرامون همدان همبر شده است؛ مواهب الهی در مناظر طبیعی آنجا، دره‌های متنزه و دشتهای حاصلخیز براف؛ و در آب و هوای پاک منطقه تجلی یافته است. سیاحان اروپایی جملگی مناظر زیبای طبیعی آنجا را کم نظیر دانسته؛ و بعضی هم آنها را با «آلب» های سوئیس مقایسه کرده‌اند. شاید وجه نبوده باشد که جان میلتون شاعر نامدار انگلیسی، از هم آنجا تعبیر «بهشت باز یافته» ساخته است.^۱

اما «بهشت» زمینی و طبیعی، چنان که دانسته است، خود یک مفهوم ما بعد طبیعی دارد. به رت دیگر، «بهشت» که در اعتقادات مذهبی مکانی ملکوتی و جلدی برین باشد، چون یک رشته از آخروی و مفاهیم معاد شناسی بر آن مترتب آمده، قداست خاصی بدین کلمه باز بسته است. این، «بهشت آب» الوند کوه، آب عادی جاری نیست؛ تازه خود «الوند» و چکادهای آن نیز از باز جزو امکنه مقدسه عالی به‌شمار آمده، چنان که امروز هم در نزد گروهی - کمابیش چنین اند - حاج زین العابدین شیروانی (م ۱۲۵۳ ق) گوید که «اروند / الوند» در اصل نام پیغمبری است در آن کوه به اسم آن پیغمبر مشهور باشد. آن کوه به غایت باشکوه است، سی فرسخ دور است، با هیچ کوه متصل نیست؛ و در تواریخ مذکور است که بیست و چهار هزار چشمه و چهل رود از آن کوه جاری است؛ و جوانب اربعة آن به غایت معمور و گیادهای خوب و ادویه رب در آن کوه به وفور است...؛ گویند که چهارصد نفر از اولیاءالله در آن کوه به کمال رسیده - و هرگز از ابدال و اقطاب خالی نباشد، ملاقات خضر و الیاس در آن کوه واقع می‌شود...؛

بهی که در آن مهره‌هایم بر من آویخته شد، و از بازمانده شیرش در پستان نوشیدم»^۱
 و آن که شاعری از مردم همدان گفته است (تَدَكَّرْتُ مِنْ اِرْوَنْدَ طَيْبَ نَسِيمِهَا / فَقُلْتُ لِقَلْبِي
 ق سَلِيمٌ... الخ):

لَوْنَد و نَسِيمِ خُوشِ آن رَا یَاَد کَرْدَم
 و دِل خُسْتِه از فَرَاَن رَا گُفْتَم

خدا الوند و گلگشت جویبارانش، شاداب کناد!
 و هم هر که بدان فرود آمد، از کویچنده و ماندگار... (الخ).



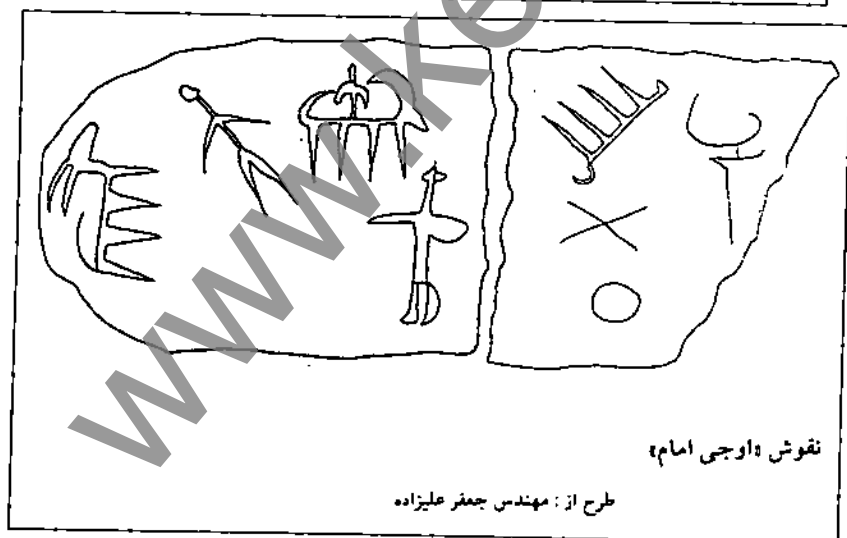
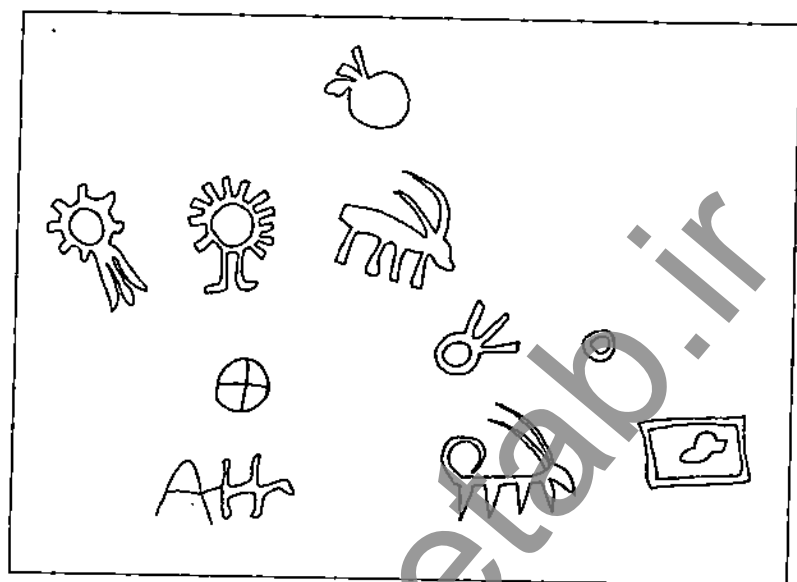
اما درینا امروزه، بی هیچ پرده پوشی و بدون وطن دوستی ریایی، باید گفت که از آن همه لطف
 و تراوات، سرسبزی و خرمی، جمال و تِراهِت الوند، زیاده چیزی برجای نمانده است. بلای
 گی‌های دم افزودن زیست محیطی از یک طرف، ولی خصوصاً توسعه ویرانگرانه و ساختمان
 ری از طرف دیگر، تمام فضای حیاتی سبزینه و پیشانیای مصفا و باغهای پُردار و بارویر را -
 حالا معلوم می‌شود چقدر هم منافع اقتصادی داشته‌اند- یکسره به وسعت هزاران هکتار از دامنه
 دزدود و یکباره از میان برد که هنوز هم می‌برد. طبیعت بی‌ظنیری که جامه زیبای آفرینش آن را
 به خداوند «جَمیل و یَحِبُّ الْجَمال» طی میلیونها سال تطوّر طبیعی بر قامت الوند سرفراز ما
 نهاده بود، ظرف سی سال اخیر به یک طُرفه‌العین با دست انسان طماع «علوم جهول» تجاوزکار
 اصر پاره‌پاره، دریده و گسیخته، نابود و ویران گشت؛ مظهر آیات الهی در وطن ما اینک مَرَبَلَه
 صس آدمیان ناسپاس و نادان شده است. خسارت‌های مطلقاً جبران ناپذیری که طی چند دهه اخیر
 بافت و ساخت طبیعی شهر و کوه و دشت ما وارد شده، فقط می‌تواند خیانت محض باشد؛
 تریبی که بر آن رفته و می‌رود، هیچ قوم یا جوج و مأجوج و چنگیز مغول چنین بلایی برجای
 نگر نازل نکرده است. اگر زمانی میلتون انگلیسی از کوهپایه‌های الوند به عنوان «بهشت باز یافته»
 سخن گفته بود، اینک درینغ آمیز و سوگبار به واقع تنها می‌توان از آن «بهشت گمشده» یاد کرد. از

مرو، وقتی مؤلف «شکوه الوند» خواست که مقدمه‌ای بر این دفتر بنویسم، مضمونی جز مرثیه یا سوگ بر الوند متبادر به ذهن نشد. دروغا که این کوه گخت بلند بالا دیگر آن «الوند» نیست؛ خدا، الوند ما کجاست؟

باری، دوست داناى دیرینم، آقای حاج علی جهانپور، مراتب بصارت و خبرگی در امر الوند شناسی را با وطن دوستی عاشقانه ناشی از ایمان مذهبی (حُبِّ الوطنِ مِنَ الْإِيمَانِ) در خود جمع کرد، که بایستی صلاحیت ادبی و ذوق سرشار او را هم در تألیف این اثر بر مراتب کمال و فضل بیافزود. خود اینجانب در بیش از سی و پنج سال رفاقت با جهانپور، شاهد مساعی و مجاهدات ستیغی ناپذیرش در امر الوند شناسی - خواه از جنبه نظری یا عملی موضوع - بوده‌ام؛ و در صفت‌های مقتضی کوهپیمایی که همیشه راهبر و راهنمای ما بوده، شوق و شور وصف ناپذیرش در معرفت اندوزی، جستجوی حقایق و ژرفکاری مسائل مربوط به «الوند» و بعضی مطالب داناى شناسی دیده‌ام. نخست بار، حدود بیست سال پیش، گفتاری درباره الوند نوشت که در ریه‌ای چاپ شد؛ اینک دفتر حاضر صورت بالغ و کامل آن مختصر؛ و کتابی جامع و معتبر در باب ابواب و مسائل مختلفه مربوطه باشد، که مؤلف مخلصانه به حضور همشهریان دانا، خواهران فرهنگدوست، کوهنوردان تلاشگر ایران، ایرانیان گردان علاقه‌مند و همه دوستداران ملت تقدیم می‌نماید؛ توفیق و نشاط مداوم او را مسئلت داریم.

وَمِنْ أَلَمِ التَّوْفِيقِ.

پ. آذکانی / مهرماه ۱۳۷۵



به احتمال کارشناسان این گونه نقوش مربوط به پیش از تاریخ است (ایران در ۴ کهنشان، ج ۱، ص ۱۵، دکتر مهدی محبتیان راد)

پیشگفتار:

کوهستان «الوند» مشتاقان زیادی دارد، در تمامی ماههای سال علاقه‌مندان بدیدار آن می‌روند. حتی زمستانها، که صخره‌سنگهای آن در یخ و برف پنهانند. زیرا «الوند کوه» در هر فصل زیبایی ویژه‌ای دارد. من یکی از علاقه‌مندان آن بوده و هستم، بیشتر قتل و یالهای آن را دیده‌ام... به صحبت دوستدارانش نشسته‌ام، از خاطرات، گفته‌ها و تجربیاتشان بهره گرفته‌ام، آرزو داشتم رو بتوانم آنچه از «الوند کوه» می‌دانم، یکجا جمع‌آوری نمایم و تقدیم علاقه‌مندان کنم. تشو دوستان مرا در این نیت مصمم‌تر نمود، و شاید وجدان معلمی من در این کار بی‌اثر نبوده باشد. فرصتی پیش آمد تا مطالبی از این مجموعه را در برنامهٔ هفتگی «جنگ فرهنگ، ادب و هنر استان از صدای جمهوری اسلامی ایران» مرکز همدان» ارائه نمایم. استقبال از برنامهٔ رادیویی، انگیز دیگری در چاپ و نشر این مجموعه شد. به این امید که نسل جوان و آیندگان با گوشه و کن «الوند» با اسامی قتل مختلف، صخره‌ها، دره‌ها و چشمه‌های آن آشنا بشوند. و از طرفی، با قصه‌ها، باورها، و پندارهای مردمی همدان و روستاهای دره‌های این کوه افسانه‌ای آگاه شوند. در این کتاب افراد بسیاری بودند که یاریم کردند، حتی نام آنان را ندانسته‌ام و یا فراموش شده‌اند. بارها اتفاق افتاد که زیر سایهٔ سیاه چادری به استکانی چای و لیوانی دوغ خنک میهمان بودم و بی‌دریغ آنچه اعتقادات و رسوم قومی خود در پیرامون الوند داشته‌اند برایم تعریف کرده‌اند؛ چوپانان چمنزارها روستائیان دره‌ها، ایلات و عشایر کوچ‌نشین، همه و همه در جمع و جور کردن این مطالب سهمی دارند که از همهٔ آنان سپاسگزارم. در این میان کوهنوردان و کوه‌پیمایان همدانی نیز سهمی دارند، چه بسیار ساعات که در جمع آنان، شب را تا سپیدهٔ صبح در کنار شعلهٔ آتش به

رات گشت و گذارشان گوش کرده‌ام. در این میان نام شادروان «حسن بیابانی» همکار و ست سالهای گذشته‌ام قابل ذکر است. بارها با او در دره‌ها و کوههای الوند هم سخن بوده‌ام، وی از اسامی محلی نقاط مختلف الوند کوه را از او گرفته‌ام یادش گرامی باد. در جمع کلوپ‌های کوهنوردی، قله‌های متعدد الوند را در فصول مختلف سال رفته‌ام، غارهای معروف همدان را در فصلی که معروف و شناخته شده نبودند، در جمع آن عزیزان دیدم، و آن‌چه در پیرامون غارها آمده خاطرات آن دوران است، بطور خلاصه باید گفت: بیشترین مطالب این کتاب و مجموعه، حاصل «مشاهده و تحقیق» است. در اینجا لازم می‌دانم، از دوست دانشمند و مورخ عالیقدر همدانی دکتر پرویز اذکائی «تشکر و قدردانی نمایم، در کلیات راهنمایم بودند و مشوق؛ و کتابخانه را به رویم گشودند. همچنین جای تشکر و سپاسگزاری است از «دکتر جلیل‌الدین سرور» که تکمیل مطالب مربوط به جغرافیای الوند یاریم کردند و بسیاری از نکات ظریف آن دانش را همراه با چند نقشه و نمودار در اختیارم گذاشتند. از همکاری و مساعدت ادارات کل استان همدان میمانه تشکر می‌کنم که با گشاده‌روی پاسنگوی پیش‌پا نیام بودند به ویژه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، روابط عمومی شهرداری همدان، مدیریت میراث فرهنگی، اداره حفظ محیط زیست، تفریح‌داری، شرکت سیاحتی علیصدر و اداره کل منابع طبیعی.

چند نکته:

- ۱- اگر گاهی از نام گروه و کلوپ کوهنوردان ذکر شده تنها بخاطر نقل قول است.
- ۲- ممکن است ذکر اعداد و ارقام در مورد ارتفاعات و بعد مسافت یا برخی یادداشتهای در رشته‌های دیگر اختلافی مشاهده شود. این گونه اختلاف‌ها بسیار جزئی هستند و سعی شده درست‌ترین رقم آورده شود.
- ۳- عزیزان کوهنورد و کوه‌پیما بسیاری یادداشت در اختیار اینجانب گذاشته‌اند. باید پذیرفت استفاده از تمامی آنها در این مجموعه امکان نداشته، امید است در آینده از مطالب و عکسهای آنان در تاریخ کوهنوردی همدان به طور مفصل استفاده گردد.

ای کوه فلک شکوه الوند
ای تیغ کشیده بر دماوند
ای رفعت تو دلیل محکم
بر قوه و قدرت خداوند
«مفتون همدانی»

نخن ناشر:

الوند و همدان دو پدیده در کنار هم هستند، گویی، مادر و فرزندی میباشند که هزاران سال است در کنار هم سر در آغوش دارند. الوند را از همدان بگیریم، همدان چیزی نخواهد بود جز مجموعه‌ای از کوچه‌ها و محلات، آنگاه که الوند را به آن بدسیم، همدان صاحب کهن‌ترین تاریخ و محتوای تمدن باستان و خاستگاه نخستین فرهنگ قانون گذاری و قانونمندی می‌گردد. دارای ثمری فراگیر و مدنیت می‌شود، تا آنجا که این سینا در آن طغرای وزارت می‌گیرد، و خواجه بدالدین فضل الله همدانی شالوده‌ی امپراطوری بزرگ ایلخانان را بر گرد محور مدنیت ایرانی می‌زند. همدان در دامن الوند خانه شعر و شور و عشق و دلدادگی می‌گردد. زادگاه و خاستگاه آن می‌شود، عرفانی که در صدر آن باباطاهر عریان نشسته است.

الوند و همدان دو پدیده، دو همزاد و دوست دیرین و دیرپای یکدیگر هستند. یکی روح است و دیگری جسم است، زنده و بالنده و در این مجموعه به الوند پرداخته شده است.

نچه در پیرامون الوند گفته شده یا نوشته شده است، خوشایند دوستان طبعیت، کوهنوردان و فداران همدان شناسان است. وقتی گفته شد کتابی پیرامون الوند شناسی در دست تهیه است. بوده اند دره نشینان و کوهپایه نشینان الوند که می‌خواستند حتما نامی از قله‌ی بالای سرشان، ی‌ی زیر پایشان در کتاب برده شود. البته حق هم با آنان است.

وستان صاحب ذوق بسیاری از قصه‌ها، باورها و پندارهای مردمی پیرامون الوند را یادآوری

که باید آنها را نیز در جای مناسب و گویا در کنار الوند و همدان قرار دهیم.

ل که باید در جایی جمع می شدند. بی شک جمع آوری این مطالب و بسیار نکات دیگر شد تا چاپ به تاخیر افتد.

یکی از تازه‌ها پیرامون الوند در این کتاب، موضوع و گفتاری است با عنوان «ادبیات الوند» که سمت آخر با عنوان «چهره الوند در شعر شاعران» آمده است. البته این مطلب در دنباله رافیایی انسانی الوند می باشد. زیرا جغرافیای انسانی در بحث جغرافیای یک منطقه دارای بقی و ریشه خود است. که در مورد الوند پیرامون جغرافیای انسانی صحبت شده بود و مناسب نبود، بی چون قصه‌ها، داستانها، سرود و نیایش‌ها، الوندیه‌ها در زیر عنوان جغرافیای انسانی باشد. و وقتی مطالبی چون باورها، پندارها و عقاید مردمی نسبت به الوند در بحث پیش می‌آید. پس م بود:

«ادبیات الوند کوه» را کاملاً از موضوع جغرافیای انسانی جدا نمود. شاید عمده موضوعی که ب این تصمیم شد، برخی ضرب‌المثل‌ها و قصه‌ها و پندارها و باورهای مردمی باشد. از بی ممکن است برای عزیزان و بزرگواران طرفدار و پژوهشگر فرهنگ مردمی‌انگیزه‌ای باشد تا ن نیز فارغ از مسایل جغرافیای کوهستان منطقه خود تنها به جمع آوری «ادبیات کوهستان» منطقه نوازند. کوههای ایران در فرهنگ غنی با عمر طولانی ادبیات ایران هر یک ادبیاتی ویژه خود دارند. ی نمونه «البرز - دماوند» در شاهنامه فردوسی ادبیاتی غنی آمیخته با اساطیر و افسانه‌ها دارد... هم ین دیگر کوهستانها مانند سبلان که با قصه‌ها و باورهای بسیار زیبای مردمی عجین هستند که ای بحث و بررسی دارند.

جالب توجه اینکه مطالب هر بخش به گونه فشرده در انتهای کتاب به انگلیسی افزوده شده. تا ای دیگر مردم که با فارسی آشنا نیستند قابل استفاده گردد. زیرا الوند و همدان در جهان نامی ساخته شده هستند و علاقه‌مندانی دارند.

و این یکی از زیبایی‌های این کتاب است که نویسنده و پژوهشگر خوش ذوق با گاهی ژرف و فراگیر به جایگاه جهانی همدان کهن در دامن الوند سرافراز داشته است. پژوهشگر محترم جناب آقای علی جهان‌پور که خود مرد کوه گردی و کوهستان است با

لرزش پوشیده نمانده است. وی با بیانی دلنشین، ساده، رسا و در عین حال محققانه به سامی عناصر تشکیل دهنده الوند توجه داشته و سخن گفته اند. وحوش، حشرات، گله‌ها، گیاهان، صخره‌ها، چشمه‌ها، معادن و خاک و به طور کلی آنچه تشکیل دهنده آن کوه افسانه‌ای است در این مجموعه در اختیار خواننده گذاشته است.

ضمن سیاست از ایشان لازم است از مسئولین محترم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بدان و دیگر ارکان‌های محترم که به طریقی نویسنده را یاری دادند تشکر و قدردانی

انتشارات برکت کوثر

بهار ۹۰